

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

شباهنگ راد

۰۶ دسمبر ۲۰۲۴

جنبش دانشجویی و انتظارات

[در تجلیل ۱۶ آذر [قوس]، روز دانشجو]

دریافت بایسته از جنبش دانشجویی به جای خود بازدارنده هرگونه سوءبرداشت و انحراف سیاسی از جایگاه جنبش‌های دموکراتیک و سیال است. پنهان نیست که از زمان تأسیس دانشگاه‌ها در ایران، دانشجویان سهم قابل‌توجهی در نشر و ترویج آگاهی سیاسی در درون جامعه داشته‌اند که بدون تردید ۱۶ آذر ۱۳۳۲ یکی از پیشروان اعتراضات در برابر سیاست‌های ظالمانه و سرکوبگرانه نظام پهلوی است. روزی که ثبت آن وابستگی مستقیم با شرایط سیاسی حاکم در جامعه داشت. در این روز، ارگان‌های مسلح حکومت پهلوی با تسخیر و یورش وحشیانه به دانشکده فنی تهران، جان ۳ تن از دانشجویان به‌نام‌های مصطفی بزرگ‌نیا، احمد قندچی و مهدی شریعت رضوی را گرفتند و از آن زمان به بعد، روز ۱۶ آذر به یکی از میدان‌های اعتراضی به‌منظور افشای سیاست‌های امپریالیستی در ایران تبدیل شده است. به‌طور قطع جنبش دانشجویی، مانند دیگر جنبش‌های اعتراضی کارگری، توده‌ئی از فراز و فرودهای متفاوت گذر کرده است که بررسی هر دوره آن مستلزم درک اوضاع سیاسی و اقتصادی جامعه و به‌ویژه جایگاه نمایندگان سیاسی طبقه کارگر و دیگر اقشار تحت ستم است. البته درازدستی نظام پیشین به دانشگاه‌ها و دانشجویان موضوعی پنهان و غیرمعمول نیست و همواره دانشجویان کمونیست، مبارز و مخالف در تیررس ارگان‌های حافظ بقای امپریالیستی قرار داشتند. شاه، سرکرده نظام، در همه دوران حاکمیتش تلاش بسیار زیادی کرده است تا به شناسایی و دستگیری دانشجویان مبارز بپردازد و ارتباط آن‌ها را با دیگر مراکز آموزشی و جامعه قطع کند. حمله چتربازان و کماندوهای نظام شاهنشاهی به تظاهرات دانش‌آموزان در خیابان‌های مرکز شهر تهران نسبت به اخراج چند تن از دانش‌آموزان دبیرستان دارالفنون [در سال ۱۳۴۰] و به‌دنبال حمایت دانشجویان دانشگاه تهران که در نهایت به تعطیلی یک‌ماهه دانشگاه منجر شد، از جمله حساسیت سیاسی حکومت‌مداران و دولت‌مداران شاهنشاهی نسبت به مراکز آموزشی و دانشجویان مبارز و مخالف به شمار می‌رود.

همان‌گونه که در بالا آمده است، دیده‌بانی دموکراتیک‌های وابسته به طبقه سرمایه‌داری در میدان‌های آموزشی نکته کهنه‌ای نیست و سردمداران نظام جمهوری اسلامی، مانند حکومت‌مداران و دولت‌مداران گذشته، به‌شدت مراقب فضای سیاسی دانشگاه‌ها بوده و هستند. تا جایی که به مدت ۳ سال در دانشگاه‌ها را به بهانه انقلاب فرهنگی و «اسلامی کردن» بستند، «بطوریکه بیش از ۴۰ درصد از کادر علمی دانشگاه‌ها و حدود ۲۵ الی ۲۶ هزار دانشجو را اخراج کردند». علت به فضای بسته سیاسی جامعه برمی‌گردد و به‌دنبال هدف تصفیه سیاسی کمونیست‌ها، مبارزان و مخالفین

از مراکز آموزشی به‌عنوان یکی از کانون‌های مهم نشر آگاهی و ارتباط با جامعه اعتراضی در برابر سیاست‌های ارتجاعی حاکم در ایران بود. در حقیقت حاکمیت در هیچ دورانی، کوتاهی‌ای در بگیر و بند و شکنجه دانشجویان نکرده است و با تمام توان کوشیده است با سازمان دادن نهادها و ارگان‌های وابسته به خود، محیط دانشگاه‌ها را در چهارچوب فکری مطابق با سیاست‌های نظام سازمان دهد؛ ولی دانشگاه‌ها و دانشجویان، علیرغم محدودیت‌ها و تهدیدهای نظام [بنا به سنن دیرینه] در برابر نابرابری‌ها و بی‌عدالتی‌های درون دانشگاه‌ها و جامعه به مخالفت برخاستند که اعتراضات گسترده دسته‌جمعی دانشجویان در سال‌های ۷۸، ۸۲ و ۸۸ از نمونه‌های بارز آن‌ها هستند.

به‌هرحال یک موضوع مشخص است و آن اینکه، اگرچه نظام تا حدودی توانسته است جنبش دانشجویی را در دوره‌های معین از حرکت باز دارد، ولی قادر نبوده است فضای سکوت و تسلیم را در میدان‌های آموزشی و دانشگاه‌ها حاکم گرداند و آسیبی در اراده دانشجویان معترض به وجود آورد. ترس نظام از آشنائی با افکار مخالف و برآمدهای دهه‌های گذشته توسط دانشجویان است. می‌داند علیرغم سیال بودنشان، دانشگاه‌ها نقش و تأثیر شایسته‌ای در تحرک و ترویج آگاهی و توضیح نابسامانی‌های دست‌ساز حکومت‌مداران و دولت‌مداران و همچنین بالا آوردن دیگر جنبش‌های اعتراضی دارند. بی‌علت نیست که دستگاه‌های تفتیش عقاید و پلیس نظام بیش‌ازحد مراقب و فعال هستند تا مبادا جامعه دانشگاهی با رویدادهای اعتراضی دسته‌جمعی روبرو گردد.

فشرده آنچه در سالروز ۱۶ آذر، روز دانشجو مهم است، این است که جدا از تجلیل از این روز، اعتراضات و جست‌وخیزهای دانشگاه‌ها و دانشجویان معترض و مبارز را به هر میزان پاس داشت و توقع و انتظاری فراتر از جایگاه آن‌ها [به‌عنوان جنبش دمکراتیک و سیال] نداشت؛ به این دلیل که تاکنون به همراه دیگر جنبش‌های اعتراضی نقش بس ارزنده‌ای در برابر سیاست‌های استثمار و سرکوبگرانه نظام جمهوری اسلامی ایفا کرده‌اند که به‌جای خود قابل‌تقدیر و قدردانی است. مهم‌تر اینکه لازم است به این موضوع اندیشید که پیشرفت یک‌یک این جنبش‌ها وابسته به پارامترهای دیگر، یعنی وابسته به وجود نیروهای کمونیستی در برابر سازمان‌های پت و پهن و سازمان‌یافته نظام جمهوری اسلامی است؛ بنابراین تا زمانی که خلأ جامعه با حضور و دخالت‌گری کمونیست‌ها پر نشود، جنبش دانشجویی علیرغم پیگیری مخالفت‌های سیاسی و صنفی، قادر به کسب مطالبات سرکوب‌شده‌اش نخواهد شد و پس‌از این، پند و اندرز و ارائه رهنمودهای عملی به جنبش‌های اعتراضی فاقد سازمان‌دهی و با برنامه هدفمند همچون جنبش دانشجویی، زینده عنصر، «سازمان» و «حزب» دور از مبارزه طبقاتی و رودررو نیست.

۵ دسمبر ۱۳۸۴/۲۵ آذر- قوس- ۱۴۰۳